

**1. In the beginning [before all time] was the Word (Christ), and the Word was with God, and the Word was God Himself.**

**2. He was [continually existing] in the beginning [co-eternally] with God.**

**3. All things were made and came into existence through Him; and without Him not even one thing was made that has come into being.**

**4. In Him was life [and the power to bestow life], and the life was the Light of men.**

**5. The Light shines on in the darkness, and the darkness did not understand it or overpower it or appropriate it or absorb it [and is unreceptive to it].**

**1. در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛**

**2. همان در آغاز با خدا بود.**

**3. همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت.**

**4. در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود.**

**5. این نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت.**

10.He (Christ) was in the world, and though the world was made through Him, the world did not recognize Him.

11.He came to that which was His own [that which belonged to Him—His world, His creation, His possession], and those who were His own [people—the Jewish nation] did not receive and welcome Him.

12.But to as many as did receive and welcome Him, He gave the right [the authority, the privilege] to become children of God, that is, to those who believe in (adhere to, trust in, and rely on) His name—

13.who were born, not of blood [natural conception], nor of the will of the flesh [physical impulse], nor of the will of man [that of a natural father], but of God [that is, a divine and supernatural birth—they are born of God.

10.او در جهان بود، و جهان به واسطه او پدید آمد؛ اما جهان او را نشناخت.

11.او به مُلک خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند.

12.اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، یعنی به هر کس که به نام او ایمان آورد؛

13.آنان که نه با تولدی بشری، نه از خواهش تن و نه از خواسته یک مرد، بلکه از خدا تولد یافتند.

**14. And the Word (Christ) became flesh and lived among us; and we [actually] saw His glory, glory as belongs to the [One and] only begotten Son of the Father, [the Son who is truly unique, the only One of His kind, who is] full of grace and truth**

**14. و کلام، انسان شد  
و در میان ما مسکن  
گزید. ما بر جلال او  
نگریستیم، جلالی  
شایسته آن پسر یگانه  
که از جانب پدر آمد،  
پر از فیض و راستی.**

## Introduction to the Readings for 26 December 2022

We first hear the Christmas story according to Matthew. Here Joseph is at the centre. Through the angel he learns to accept the birth of Jesus from the Holy Spirit and to faithfully care for Mary and Jesus.

We then hear the most famous Christmas carol "Silent Night, Holy Night" in Persian.

Then the shepherds of Bethlehem meet the angel who announces to them the birth of the Saviour Jesus.

Afterwards we hear a song sung by Iris Wemme about the angels in the fields of Bethlehem: "Hört der Engel helle Lieder".

## مقدمه خوانی در تاریخ 26.12.2022

ما ابتدا داستان کریسمس را از کتاب انجیل متی می‌شنویم. در اینجا تمرکز روی یوسف است. او از طریق فرشته یاد می‌گیرد که تولد مسیح را از طریق روح القدس بپذیرد و صادقانه از مریم مراقبت کند.

سپس سرود معروف "شب سکوت، شب مقدس" را به زبان فارسی می‌شنویم.

سپس چوپانان بیت لحم فرشته ای را ملاقات میکنند که تولد مسیح را به آنان اعلام میکند.

سپس آهنگی را از فرشتگان در مزارع بیت لحم می‌شنویم که توسط "ایریش و مه" خوانده شده است: "آوازهای روشن فرشته را بشنو"

**18. Now the birth of Jesus Christ was as follows: when His mother Mary had been betrothed to Joseph, before they came together, she was found to be with child by [the power of] the Holy Spirit.**

**19. And Joseph her [promised] husband, being a just and righteous man and not wanting to expose her publicly to shame, planned to send her away and divorce her quietly.**

**18. تولد عیسی مسیح این چنین روی داد: مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم پیوندند، معلوم شد که مریم از روح القدس آبستن است.**

**19. از آنجا که شوهرش یوسف مردی پارسا بود و نمیخواست مریم را رسوا کند، بر آن شد که بی سر و صدا از او جدا شود.**

**20. But after he had considered this, an angel of the Lord appeared to him in a dream, saying, "Joseph, descendant of David, do not be afraid to take Mary as your wife, for the Child who has been conceived in her is of the Holy Spirit.**

**21. She will give birth to a Son, and you shall name Him Jesus (The Lord is salvation), for He will save His people from their sins."**

**20. اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است.**

**21. او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.»**

**22.**All this happened in order to fulfill what the Lord had spoken through the prophet [Isaiah]:

**23.**“Behold, the virgin shall be with child and give birth to a Son, and they shall call His name Immanuel” — which, when translated, means, “God with us.”

**24.**Then Joseph awoke from his sleep and did as the angel of the Lord had commanded him, and he took Mary [to his home] as his wife,

**25.**but, he kept her a virgin until she had given birth to a Son [her firstborn child]; and he named Him Jesus (The Lord is salvation).

**22.** این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که:

**23.** «باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد آورد

و او را عِمانوئیل خواهند نامید،»  
که به معنی 'خدا با ما' است.

**24.** چون یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود، انجام داد و زن خود را گرفت.

**25.** اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید.



**8. In the same region there were shepherds staying out in the fields, keeping watch over their flock by night.**

**9. And an angel of the Lord suddenly stood before them, and the glory of the Lord flashed and shone around them, and they were terribly frightened.**

**10. But the angel said to them, "Do not be afraid; for behold, I bring you good news of great joy which will be for all the people.**

**11. For this day in the city of David there has been born for you a Savior, who is Christ the Lord (the Messiah).**

**8. در آن نواحی، شبانانی بودند که در صحرا به سر می‌بردند و شب‌هنگام از گله خود پاسداری می‌کردند.**

**9. ناگهان فرشته خداوند بر آنان ظاهر شد، و نور جلال خداوند بر گردشانش تابید. شبانان سخت وحشت کردند،**

**10. اما فرشته به آنان گفت: «مترسید، زیرا بشارتی برایتان دارم، خبری بس شادی‌بخش که برای تمامی قوم است:**

**11. امروز در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمد. او خداوند مسیح است.**



**12. And this will be a sign for you [by which you will recognize Him]: you will find a Baby wrapped in [swaddling] cloths and lying in a manger.”**

**13. Then suddenly there appeared with the angel a multitude of the heavenly host (angelic army) praising God and saying,**

**14. “Glory to God in the highest [heaven], And on earth peace among men with whom He is well-pleased.”**

**12. نشانه برای شما این است که نوزادی را در قنذاقی پیچیده و در آخوری خوابیده خواهید یافت.»**

**13. ناگاه گروهی عظیم از لشکریان آسمان ظاهر شدند که همراه آن فرشته در ستایش خدا می‌گفتند:**

**14. «جلال بر خدا در عرش برین، و صلح و سلامت بر مردمانی که بر زمین مورد لطف اویند!»**

## Sermon for 26 December 2022 on Matthew 1,23

Dear congregation!

1. In an Advent calendar with beautiful sayings and pictures, I come across a sentence by the poet Stefan Zweig: "The meaning of life is more than life itself". This sentence speaks to me. The meaning of life carries life. This is what I am learning and rediscovering again and again since faith has become important in my life. "The meaning of life is more than life itself." This is especially true at Christmas.

## خطبه 12/26/22 متی 1:23

جامعه عزیز!

1. در یک تقویم ظهور با گفته ها و تصاویر زیبا به جمله ای از شاعر اشتفان تسوایگ برخورد می کنم: «معنای زندگی بیشتر از خود زندگی است.» این جمله برایم جذاب است. معنای زندگی، زندگی را تداوم می بخشد. این چیزی است که من یاد می گیرم و دوباره کشف می کنم زیرا ایمان در زندگی من مهم شده است. "معنای زندگی بیشتر از خود زندگی است." این به ویژه در کریسمس صادق

**2. Christmas as a human celebration is something very beautiful - not only in childhood. But this humanity is carried by the meaning of Christmas, the meaning that carries our lives. "A virgin will conceive and give birth to a son. To him they will give the name Immanuel, which means: God is with us." (Matthew 1:23bcd)**

**2. کریسمس به عنوان یک جشن انسانی چیزی بسیار زیبا است - نه تنها در دوران کودکی. اما این انسان با معنای کریسمس حمل می شود، معنایی که زندگی ما را حمل می کند. «باکره حامله خواهد شد و پسری به دنیا خواهد آورد. آنها او را امانوئل خواهند نامید، که به این معنی است که خدا با ماست.» متی**

**bcd 1:23**

**3. Christmas 2022: What concerns me, what moves us at the end of this year and how can the meaning of Christmas carry us in our life situations?**

**When I look at us Germans who were and are doing quite well - and I am one of them - I notice that the Corona crisis, this year the Ukraine war and the climate change that is now clearly before our eyes have stirred us up, changed something in us, unsettled us.**

**3. کریسمس 2022. چه چیزی در ذهن من است، چه چیزی ما را در پایان این سال به حرکت در می آورد و چگونه معنای کریسمس می تواند ما را در موقعیت های زندگی مان حمل کند؟**

**4. And yet, at Christmas 2022, without a major Corona wave, with a certain state protection of the energy crisis, we are almost as we were before. We sense the crisis on the horizon, we know that much will change for the worse, especially due to climate change - and yet we are fine now.**

**4. وقتی به ما آلمانی‌ها نگاه می‌کنم که خیلی خوب کار می‌کنیم و داریم - من یکی از آنها هستم - متوجه می‌شوم که بحران کرونا، جنگ امسال در اوکراین و تغییرات آب و هوایی که اکنون به وضوح می‌بینیم ما را کمی ناراحت کرده است. در ما تغییر کرد، ما را ناآرام کرد.**

**5. When I look at you, the refugees, in our community, I notice that the lives of many are more secure now than they were a few years ago and many are working or in education. But just as many do not have a permanent job even after years and continue to struggle. Your life remains strenuous in many ways, whether you are more or less successful. And yet you live more securely than people in the often-disastrous situations in your home countries.**

**5. وقتی به شما پناهندگان در جامعه خود نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که زندگی برای بسیاری اکنون امن‌تر از چند سال پیش است و بسیاری در حال کار یا تحصیل هستند. اما همان‌طور که بسیاری حتی پس از سال‌ها کار دائمی ندارند و به مبارزه ادامه می‌دهند. زندگی شما از بسیاری جهات سخت است، چه کم و چه بیشتر موفق باشید. و با این حال، شما امن‌تر از مردم در موقعیت‌های اغلب فاجعه‌بار در کشورهای خود زندگی می‌کنید.**



**6. The meaning of life is more than life itself. It is beautiful when we are doing well, when we are enjoying life, when we are enjoying the good that is given to us. But there is more than the good life and there is more than the life in which we struggle and fight to keep going. More importantly, God's Son became man. He exchanged his heavenly glory for a manger of food for us.**

**6. «معنای زندگی بیشتر از خود زندگی است.» وقتی احساس خوبی داشته باشیم، وقتی از زندگی لذت می بریم، از چیزهای خوبی که به ما داده شده لذت می بریم، زیباست. اما چیزی فراتر از زندگی خوب است و چیزی بیشتر از زندگی وجود دارد که در آن تلاش می کنیم و می جنگیم تا ادامه دهیم. مهمتر این است که پسر خدا انسان شد. او جلال بهشتی خود را با یک آخور برای ما عوض کرد.**



**7. He came so that we might find rest in him and a home in all the ups and downs of our lives. My life does not rest in myself, but in him who comes into my life at Christmas in a manger. Already through his manner of birth he conveys to me: security and prosperity are not the decisive things in life. Otherwise, would he not have come into this world in a way other than poverty and insecurity?**

**7. آمد تا در همه فراز و نشیب های زندگیمان در او آرامش پیدا کنیم . خانه و زندگی من در خودم نیست، بلکه در کسی است که در کریسمس در آخور وارد زندگی من می شود. نحوه تولد او به من می گوید که امنیت و رفاه عامل تعیین کننده در زندگی نیست. وگرنه آیا جز در فقر و ناامنی به این دنیا نمی آمد؟**

**8. But above all, he says to me: here, at my manger, you will find rest for your soul. Here you can rest and draw new strength. Here you are completely safe. Here you are at home. Here you are loved, more than you can love yourself. Here is the meaning of your life: God is with you. He stands by your side. He helps you when you are in need. With Him you are not alone.**

**8. اما بالاتر از همه به من می گوید: اینجا، در آخور من، برای روح خود آرامش خواهی یافت. در اینجا می توانید استراحت کنید و قدرت جدیدی به دست آورید. در اینجا شما کاملا در امنیت هستید. اینجا شما در خانه هستید. اینجا شما را دوست دارند، بیشتر از آن که بتوانید خودتان را دوست داشته باشید. معنای زندگی شما این است: خدا با شماست، او در کنار شماست او در مواقعی که نیاز دارید به شما کمک خواهد کرد. شما با او تنها نیستید.**

**9, So with Jesus I can rejoice when things go well for me. With Jesus I can also cope when circumstances become uncertain or remain difficult. He is my support, the child in the manger, Immanuel, God incarnate.**

**9. این گونه است که می توانم با عیسی شادی کنم وقتی که حالم خوب است. وقتی شرایط نامطمئن تر می شود یا دشوار، من، با عیسی نیز می توانم با آن کنار بیایم. او تکیه گاه من است، کودک در آخور، امانوئل، خداوند مجسم شده است.**

**10. With Jesus I can also fight and win. I am thinking of Ukraine this year. Brutally invaded by a larger and stronger army, this country fought back and partly pushed back the aggressor. With perseverance and determination to defend their homeland, the Ukrainians have already achieved a lot, even if the war is not yet over. Morally and politically, but also to some extent militarily, the Ukrainians are victors in this unequal conflict.**

**10. با عیسی من نیز می توانم بجنگم و پیروز شوم. امسال به اوکراین فکر می کنم. این کشور با حمله وحشیانه توسط ارتش بزرگتر و قوی تر، به مبارزه پرداخت و متجاوز را تا حدی به عقب راند. با استقامت و عزم راسخ برای دفاع از میهن خود، اوکراینی ها تاکنون دستاوردهای زیادی داشته اند، حتی اگر جنگ هنوز تمام نشده باشد. از نظر اخلاقی و سیاسی، بلکه از نظر نظامی، اوکراینی ها در این درگیری نابرابر پیروز هستند.**

**11. Fighting and winning with Jesus. We on the board of our congregation have fought hard this year for a good financial, structural and congregational future for our congregation. It was often difficult to stand up for our own goals in the face of opposition and to always be challenged to new creativity. At the end of the year, even though many things are still open, I can say: despite many efforts, the struggle has been worthwhile, we have achieved important goals.**

**11. با عیسی بجنگید و پیروز شوید.  
ما در هیئت مدیره جامعه خود امسال بسیار سخت جنگیده ایم تا آینده مالی، ساختاری و اجتماعی خوبی برای جامعه خود داشته باشیم. ایستادن برای اهداف خود در برابر مقاومت و به چالش کشیدن دائماً خلاق بودن اغلب دشوار بود. در پایان سال، حتی اگر هنوز چیزهای زیادی باز است، می توانم بگویم: با وجود تلاش های فراوان، مبارزه ارزشش را داشت، ما به اهداف مهمی دست یافتیم.**

**12. For me I can say: without Jesus this would not have been possible. Without the fact that I was and am anchored elsewhere, namely with Him, and that I draw my identity, my strength, my self-confidence from Him. And without Him giving me and us perseverance, new strength and new ideas again and again through His Holy Spirit, this positive development would not have been possible. With the child in the manger, with Jesus, I can fight and win.**

**12. من می توانم برای خودم بگویم: بدون عیسی نمی توانستم این کار را انجام دهم. بدون اینکه در جای دیگری، یعنی با او لنگر بیاندازم و هستم، و از آنجا هویت، قدرت، اعتماد به نفسم را می گیرم. و بدون اینکه او به من و ما از طریق روح القدس، استقامت، نیروی جدید و ایده های جدید هدیه نمی داد، این پیشرفت مثبت ممکن نبود. با کودک در آخور، با عیسی می توانم بجنگم و پیروز شوم.**



**13. But with Jesus I can also, even if it is much harder, fight and still lose, for example lose a loved one to death. Or with Jesus I can suffer a professional or personal defeat. Again, I do not fall into nothingness when my hopes dissolve and I lose the battle.**

**13. اما با عیسی می توانم بجنگم، حتی اگر خیلی سخت تر باشد، و باز هم، مثلاً یکی از عزیزانم را تا حد مرگ از دست بدهم. یا می توانم یک شکست حرفه ای یا شخصی با عیسی تحمل کنم. باز هم وقتی امیدم از بین می رود و در مبارزه شکست می خورم به هیچ نمی افتم.**



**14. Then I fall into His arms, then I lie down next to His manger, cry with Him and lie near Him for a long time and let His love comfort me. He knows a way for me even then and will continue on it with me.**

**14. سپس در آغوش او می افتم، سپس در کنار تخت او دراز می کشم، برای او گریه می کنم و برای مدت طولانی نزدیک او دراز می کشم و اجازه می دهم عشق او به من آرامش دهد. حتی در آن زمان هم او راهی برای من می داند و همچنان با من راه می رود.**

**15. Whatever the outcome of my life's struggles, there is victory at the beginning and at the end. In the beginning is Christmas, is the child who climbs from His heavenly glory into a manger, into my misery, into the good of my life, into my struggles, my victories and defeats. He is there, His peace has the first word over my life.**

**15. نتیجه مبارزات در زندگی من هر چه باشد، پیروزی آغاز و پایان است. در آغاز کریسمس است، آیا کودک از شکوه بهشتی خود به آخور برمی خیزد، به بدبختی من، به خیر زندگی من، به مبارزات من، پیروزی ها و شکست های من. او آنجاست، آرامش او حرف اول را در زندگی من می زند.**

**16. And His peace will also have the last word one day, when all the battles of this life have been fought out and all the good and bad of this world is behind me. Whether I am up or down, win or lose, Jesus gives security. I am loved, I receive new strength, I am helped. I cling to Jesus and am so secure and at peace. So, the meaning of life is more than life itself, this is Christmas. Amen!**

**16. و صلح او نیز روزی حرف آخر را خواهد زد، زمانی که تمام نبردهای این زندگی انجام شده و همه خوبی ها و بدی های این دنیا پشت سر من است. چه من بالا باشم یا پایین، چه برنده باشم و چه بازنده، عیسی امنیت می دهد. من عاشق شده ام، نیروی تازه ای می یابم، به من کمک می شود. من به عیسی گیر کرده ام و بسیار امن و در آرامش هستم. بنابراین معنای زندگی بیشتر از خود زندگی است، کریسمس نیز همینطور است، آمین.**